

## سیری در اندیشه سیاسی میرزا فضلعلی آقا تبریزی

(با تکیه بر مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی)

مصطفی پیرمردیان

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

حسین شیرمحمدی باباشیخعلی

کارشناس ارشد تاریخ

فروغ بحرینی

کارشناس ارشد تاریخ (گرایش مطالعات خلیج فارس)

### چکیده

با شکست ایران در جنگ با روسیه، عده‌ای به فکر اصلاحات در ایران افتادند؛ بدین ترتیب در دوره ناصری و ظهور نهضت مشروطه، جامعه شیعی ایران با مفاهیم جدیدی مواجه شد که علما لاجرم می‌بایست به آن‌ها واکنش نشان می‌دادند. علما در دو جبهه، به رد یا تأویل توجیهی پرداختند که تأویلات گروه دومی، شکل‌گیری تفاسیر جدیدی از طریقه حکومت در عصر غیبت را منجر شد که پرچمداران آن علمایی نظیر آخوند خراسانی، علامه نائینی و ثقة‌الاسلام تبریزی بودند. در کنار این علمای نامی، علمای دیگری نیز بودند که در مجلس اول شورای ملی به ایفای نقش پرداختند. یکی از این علما میرزا فضلعلی آقا تبریزی بود که در رویدادهای مشروطه و منازعات فکری مطرح شده در جریان تصویب متمم قانون اساسی، به‌خصوص در طرح مشروطه مشروعه، تبیین مفاهیمی چون قانون، تفکیک قوا، آزادی، سلطنت و مساوات ملت در برابر قانون، که نتیجه قائل شدن حقوق عمومی برای مردم بود، نقشی فعال داشت. این مقاله سعی دارد با استفاده از منابع سندی و کتابخانه‌ای، به‌خصوص با مرجع قرار دادن مذاکرات مجلس، و با روش تحلیلی - توصیفی، به کاوشی در اندیشه سیاسی میرزا فضلعلی تبریزی و برخورد وی با مسائل فکری مطروحه در مجلس اول شورای ملی بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه سیاسی، فضلعلی آقا، مشروطه، روحانیت.

میرزا فضلعلی آقا تبریزی یکی از روحانیون گمنام مشروطه است که در مجلس اول شورای ملی به عنوان نماینده روحانیون تبریز به مجلس راه یافت. با اینکه فضلعلی آقا بیشتر یک مرد سیاسی بود تا یک عالم علم سیاست ولی اقدامات و نطق‌های او نوعی اندیشه سیاسی را نشان می‌دهد؛ اندیشه‌ای که می‌تواند تلاشی برای توجیه اسلامی مؤلفه‌های دموکراسی و تلاشی در جهت نزدیک کردن مفاهیم جدید و قدیم تلقی گردد. با توجه به اینکه تا به حال در خصوص شخصیت و اندیشه‌های میرزا فضلعلی تبریزی تحقیقی انجام نشده است، این مقاله درصدد پرکردن این خلأ پژوهشی می‌باشد. از آن جایی که این شخصیت، پیرو یک گفتمان سیاسی خاص خود است و اندیشمندی است که مورد توجه خاصی از سوی شخصی هم‌چون فریدون آدمیت قرار گرفته و از سویی، به بیان نطق‌هایی حائز اهمیت در مجلس اول شورای ملی پرداخته، از این رو مورد تحقیق و بررسی در این پژوهش است.

این مقاله به بررسی مؤلفه‌های حکومت مشروطه و حقوق مدنی نظیر سلطنت، آزادی، قانون، تفکیک قوا و تساوی حقوقی میان آحاد ملت از دیدگاه فضلعلی آقا خواهد پرداخت. سؤال اساسی این‌جاست که وی تا چه اندازه لحاظ کردن حقوق مدنی برای اتباع مملکت را مجاز می‌شمرد؟ و از مؤلفه‌های حقوق مدنی چه کارکردهایی را انتظار داشته؟ و این درک او تا چه حد با مبانی مشروطه سازگار بوده است؟

### زندگی و آثار فضلعلی آقا تبریزی

فضلعلی آقا تبریزی عالم امامی، پسر میرزا عبدالکریم ملآباشی، در سال ۱۲۷۸ هـ.ق. در شهر تبریز متولد شد.<sup>۱</sup> فقه و اصول را نزد استادان میرزا محمدحسن زنوزی و حاج میرزا محمدعلی ملآباشی فراگرفت و تفسیر و کلام را نزد پدر خویش آموخت. سپس به منظور تکمیل تحصیلاتش در فقه و اصول، به عتبات سفر کرد و در سال ۱۳۰۷ هـ.ق. با کسب درجه اجتهاد نزد فاضل شربانی و فاضل ایروانی اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی، به تبریز بازگشت و در جرگه علمای شیخی به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت.<sup>۲</sup>

وی اولین فعالیت‌های اجتماعی خود را با تبلیغ کالاهای وطنی شروع کرد. پیش از مشروطه، با همکاری چند واعظ و پیش‌نماز، جمعیتی با عنوان انجمن اسلامی تبریز تشکیل شد که شیخ سلیم و میرزا فضلعلی آقا و میرزا علی‌اکبر مجاهد از اعضای برجسته آن به شمار می‌رفتند. ایشان در مجالس روضه‌خوانی درباره ترویج کالاهای وطنی و لزوم جلوگیری از کالاهای تجملی اروپایی سخن می‌گفتند.<sup>۳</sup>

در سال ۱۲۸۵ هـ.ش/۱۳۲۴ هـ.ق. فرمان مشروطه صادر شد. در دوره اول مجلس شورای ملی، انتخابات به صورت طبقه‌ای انجام گرفت. در تبریز از طبقه علمای تبریز، ثقة‌الاسلام با ۶۶ رأی، نماینده منتخب این طبقه گردید اما ثقة‌الاسلام از پذیرش این مسئولیت انصراف داد و میرزایحیی امام جمعه خوئی به جای او به

۱. تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان (تهران، مطبوعه مجلس، ۱۳۱۴)؛ ص ۲۹۸.

۲. بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران در قرن ۱۳، ۱۴ و ۱۵ (تهران: چاپخانه بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۷)؛ ص ۱۱۰.

۳. یزدانی، سهراب، اجتماع‌یون عامیون (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸)؛ ص ۲۴.

این مجلس راه یافت.<sup>۱</sup> متشرعه‌ها که اکثریت طبقات تبریز را تشکیل می‌دادند، حاضر به گذشت شدند و انتخاب یک نفر را به شیخیه واگذار نمودند. در نتیجه حاج میرزا فضلعلی آقا از طرف شیخیه و حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی از طرف متشرعه انتخاب گردیدند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، هیئت نمایندگان تبریز متشکل از هفت نفر بود که یکی از اعضای آن، میرزا فضلعلی آقا تبریزی بود.<sup>۳</sup> ثقة الاسلام به هرکدام از وکلای آذربایجان وظیفه‌ای سپرد. وی از میرزا فضلعلی آقا خواسته بود که «یومیته‌ای» داشته باشد و اتفاقات تهران را روزبه‌روز بنویسد.<sup>۴</sup> البته فضلعلی آقا مدتی به این کار اشتغال داشت و بعد نوشتن یومیته را رها کرد. آدمیت دست‌نوشته‌های وی را دیده و از آن در کتاب/ایدئولوژی نهضت مشروطه/ایران استفاده کرده است.<sup>۵</sup>

در جریان تصویب قانون اساسی، تلگراف‌هایی از شهرهای اصفهان و تبریز مبتنی بر تعجیل در امر امضای قانون مشروطیت و نوشتن قانون اساسی و امضای آن توسط محمدعلی شاه به تهران مخابره شد که در میان وکلای آذربایجان، میرزا فضلعلی آقا تلاش زیادی در جهت آرام کردن مردم تبریز و امضای قانون مشروطه انجام داد.<sup>۶</sup> هنگام حضورش در تهران به انجمن آدمیت پیوست و در این انجمن به رایزنی درباره امور کشور و دفاع از قانون اساسی می‌پرداخت.<sup>۷</sup> هرچند وی در زمره علمای به نسبت روشن مجلس اول بود بود ولی به مرور، خط او از دیگر وکلای آذربایجان جدا شد و سه نفر از وکلای آذربایجان میرزا فضلعلی آقا را به جهت طرفداری از سعدالدوله در جمع خود نپذیرفتند.<sup>۸</sup> مستشارالدوله در نامه خود به ثقة الاسلام در دهم رجب ۱۳۲۵ هـ. ق.، میرزا فضلعلی آقا را «دو دوزه باز و محرمانه‌تاز» معرفی کرده و نوشت:

گفته شده که ملاقات‌های محرمانه‌ای با محمدعلی شاه داشته و پس از این ملاقات‌ها، مخالفین خود و محمدعلی شاه از جمله سیدحسن تقی‌زاده و سه وکیل دیگر آذربایجان معروف به سه تفنگدار را متهم به بی‌دینی ساخته که با این اقداماتش روزبه‌روز خود را بی‌قدرتر در نگاه‌ها و اذهان ساخته است.<sup>۹</sup>

تقی‌زاده، میرزا فضلعلی آقا تبریزی را شخصیتی معتدل و میانه‌رو می‌دانست که البته از یک خط و مشی ثابت و مشخص پیروی نمی‌کرد<sup>۱۰</sup> و این خود دلیلی کافی برای جدا شدن خط وکلای آذربایجان از او

۱. مرادی مراغه‌ای، علی، عبور از استبداد مرکزی (بررسی انجمن‌های شورایی عصر مشروطیت و با تأکید بر نمونه تبریز، رشت و اصفهان) (تهران: اوحدی، ۱۳۸۴، چاپ اول)؛ ص ۶۱.
۲. فتحی، نصرت‌الله، زندگی‌نامه شهید نیک‌نام ثقة الاسلام تبریزی (۱۳۳۰-۱۲۷۷ هجری) و بخشی از تاریخ مستند مشروطیت ایران (بی‌جا: بنیاد کاری نوریانی، ۱۳۵۲)؛ ص ۱۵۲.
۳. مرادی مراغه‌ای، همان؛ ص ۸۱.
۴. فتحی، همان؛ ص ۶۲.
۵. آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج ۱ (بی‌جا: پیام، ۱۳۵۵)؛ ص ۱۶۹.
۶. شریف کاشانی، محمدمهدی، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۰۸-۱۰۷.
۷. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۰۹-۱۰۸.
۸. فتحی، همان؛ ص ۱۸۹.
۹. همان؛ ص ۲۰۱.
۱۰. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، پیدایش و تحوّل احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی) (تهران: گسترده، ۱۳۶۱)؛ ص ۱۳.

بود. با این حال فریدون آدمیت معتقد است که مستشارالدوله در شرح واقعه و صداقت فکری، دقت بیان میرزا فضلعلی آقا را ندارد و یادداشت‌ها و افکار وی در جریان اتفاقات مجلس اول را می‌سناید؛<sup>۱</sup> به بیان دیگر، میرزا فضلعلی آقا تندروی و کلای آذربایجان را نداشت و میانه‌روی و چانه‌زنی را ترجیح می‌داد. وی در هنگام به توپ بسته شدن مجلس به همراه عده‌ای از دوستانش به آلمان گریخت و در ۱۳۲۷هـ.ق. درگذشت و به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

تربیت، آثار قلمی وی را این‌گونه برمی‌شمرد:

حدائق العارفین به جامعیت آیات و اخبار با تفاسیر و شرح آن‌ها که در ابواب کتاب کافی و من لایحضر الفقیه و تهذیب و استبصار و وافی و بحار و وسائل است و خاتمه حاوی مقدمات مزبوره با بسطی در ذکر کتب اسلامی خاصه شیعه امامیه در چند مجلد ولی نسبت به بعضی مجلدات راجع به آیات ناتمام مانده و ریاض الازهار که سفینه و کشکول مانند است در سه جلد و سفرنامه اروپا و شرح قصیده اسماعیل حمیری و دیوان اشعار عربی و فارسی.<sup>۳</sup>

### ریشه اندیشه‌های فضلعلی آقا تبریزی

تکون اندیشه‌های میرزا فضلعلی آقا در شهری بود که از یک طرف ارتباطات فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای با عصر تنظیمات و تحولات دولت عثمانی داشت و از طرف دیگر با تحولات و مراودات فرهنگی حوزه قفقاز مربوط بود؛ قفقازی که پل ارتباطی و اتصالی اروپا و ناقل افکار جدید و روشن‌گرانه اروپاییان محسوب می‌شد.

هرچند گزارشی درباره مطالعه کتب متفکران غربی از سوی میرزا فضلعلی آقا در دست نداریم لیکن در این دوره، کتاب‌های متفکران غربی و مصری در تبریز خوانندگان زیادی داشت و حتی کتابخانه‌ای توسط تربیت و تقی‌زاده مملو از کتب جدید موجود بود<sup>۴</sup> که می‌توانست منشأ انقلاب فکری در میان تبریزی‌ها باشد. این کتب در روحانی شیخی دیگر از جمله ثقة الاسلام تبریزی مؤثر بوده<sup>۵</sup> و از آن‌جا که نامه‌های فروتنانه فضلعلی آقا با مضمون تقاضای یاری فکری از ثقة الاسلام در دست است<sup>۶</sup> و به طور قطع پیش و پس از مشروطه با افرادی چون ثقة الاسلام و طالبوف<sup>۷</sup> در ارتباط و نامه‌نگاری بوده، حداقل می‌توان گفت که وی به صورت غیرمستقیم با اندیشه‌های جدید درگیر بوده است. با این همه، آدمیت او را در کنار سیدمحمد

۱. آدمیت، همان؛ ص ۱۷۲.

۲. تربیت، همان؛ ص ۲۹۸.

۳. همان، ص ۲۹۹.

۴. تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)، به کوشش عزیزالله علیزاده (تهران: فردوس، ۱۳۷۹)؛ صص ۳۷-۴۰.

۵. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: نگاه، ۱۳۸۲، چاپ سوم)؛ ص ۱۶۴.

۶. فتحی، همان؛ صص ۱۸۰-۱۷۹.

۷. مرادی مراغه‌ای، همان؛ ص ۶۲.

طباطبایی و شیخ محمد طهرانی در زمره علمایی می‌داند که «صاحب افکار نسبتاً روشن بودند.»<sup>۱</sup> در ادامه به برخی از موضوعات از نگاه و اندیشه فضلعلی آقا تبریزی پرداخته می‌شود:

#### – دین و دولت

میرزا فضلعلی آقا با طرح قید مشروعه برای مشروطه، مخالف بوده<sup>۲</sup> و شاید وی همانند علمایی چون آخوند خراسانی و نویسنده رساله کلمه حق *بها الباطل* حکومت مشروعه را فقط در زمان معصوم محقق می‌دانسته است.<sup>۳</sup> از آن‌جا که شریف کاشانی، اطلاعی درباره استدلال او در این زمینه گزارش نکرده، اظهار نظر در این خصوص دشوار خواهد بود. با این حال فضلعلی آقا در سلک مشروطه‌خواهان محسوب می‌شد و با هر استدلالی، مشروطه را به عنوان بهترین الگوی ملک‌داری در عصر غیبت در نظر داشته است. به نظر نمی‌رسد وی برای فقها در امور سیاسی ولایت قائل بوده باشد و این مطلبی است که از مسلک شیخی او استنباط می‌گردد، چراکه «شیخیه مجتهد را میانجی کارآمدی بین امت و امام زمان نمی‌دانستند و نمونه منسجم والاتری از هدایت الهی را ضروری می‌شمردند؛ بدین‌گونه شیعه کامل که بعدها در اصطلاح رکن رابع شمرده شد» وظیفه هدایت امت را بر عهده دارد.<sup>۴</sup> بدین ترتیب و با توجه به اعتقاد بنیادین شیخیه در این خصوص وی نمی‌توانسته برای فقیه در امور عامه مسلمین جایگاه رفیعی نظیر ولایت از سوی امام را قائل بوده باشد.

بررسی اندیشه او در خصوص مالیات و وجوهات شرعی که یکی از نقاط تلاقی دین و دولت محسوب می‌شود، ضروری است. از آن‌جا که وی به عنوان یک نماینده مجلس می‌بایست در خصوص شرایط و معضلات واقعی، و نه صرفاً اندیشه محض، تصمیم بگیرد، مانند ثقة الاسلام مالیات دادن را خلاف شرع نمی‌شمرد. به نظر او:

حکم مالیات، خلاف شرع نیست زیرا شرع وجوهی برای مصالح مسلمین متصور هست و اگر آن وجوه، کافی نباشد برای حفظ نظام آنچه لازم است باید مسلمین تهیه نمایند؛ به هر نحوی که علما و عقلا صلاح دانند.<sup>۵</sup>

بدین ترتیب، حکومت حق دارد با اذن علمای مذهبی و عقلای حاضر در مجلس، برای شیعیان مالیات مشخص کرده و آن را برای مصارف عامه از مردم دریافت دارند. در مقایسه با ثقة الاسلام باید گفت وی امر مالیات را نه از طرق مبانی علم «فاینانس» که با راهکارهای شرعی توجیه می‌کرد<sup>۶</sup> که البته در اندیشه علمای سلف بی‌سابقه نبود. کاشف الغطاء به فتحعلی شاه اذن داد تا برای تهیه مخارج جنگ ایران با روسیه

۱. آدمیت، همان؛ ص ۳۶۹.

۲. شریف کاشانی، همان؛ ص ۱۰۸.

۳. کدیور، محسن، *سیاست‌نامه خراسانی* (تهران: کوپر، ۱۳۸۷، چاپ دوم)، صص سیزده و چهارده.

۴. الگار، حامد، *دین و دولت در ایران؛ نقش علما در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۹)؛ ص ۳۰.

۵. آدمیت، همان؛ ص ۴۱۵.

۶. ثقة الاسلام در توجیه علمی مالیات نظر داشت. حتی به فرزندش توصیه می‌کرد تا علم «فاینانس» را فراگیرد و در این راه به کوشش یاری رساند. (فتحی، نصرت‌الله، *مجموعه آثار قلمی شادروان ثقة الاسلام شهید تبریزی* (بی‌جا، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴)

هر مقدار که لازم باشد «از همه وجوه شرعی و خراج و درآمد» استفاده کند.<sup>۱</sup> در واقع این اظهار او ناشی از توجیه اسلامی دریافت مالیات برای برآورده کردن نیازهای مالی دولت بود.

### - سلطنت

سلطنت در اندیشه‌های شیعه جایگاه محترمی داشت. هر چند روحانیون در دوره صفویه مشروعیت شاهان را به رسمیت نمی‌شناختند لیکن از نوشته‌های ایشان پیداست که جایگاه شاهان را به عنوان حافظان امنیت و ثغور قلمرو مسلمین محترم می‌شمرده‌اند. با اینکه قاجارها نتوانسته بودند از ثغور مسلمین دفاع کنند اما به دلایلی چند علما از آن‌ها حمایت می‌کردند.<sup>۲</sup> همین سلطنت ضعیف می‌توانست مایه اتحاد و مانع هرج و مرج باشد. حقوق عمومی که مشروطه برای توده تعریف کرده بود، دلیل دیگر حمایت علما بود. چون سیستم جمهوری، پتانسیل ورود افراد فاسد العقیده به نوک هرم سیاسی را داشت و در این شرایط، خطر صدور احکام منافی اسلام مطرح می‌شد؛ به همین دلیل وجود سلطان اسلام‌پناه، هر چند ضعیف، می‌توانست مایه دلگرمی باشد. به نظر می‌رسد فضلعلی آقا از این الگو تخطی نمی‌کرد و مانند ثقة‌الاسلام تبریزی، روحانی شیخی دیگر تبریز،<sup>۳</sup> تضعیف سلطنت را صلاح نمی‌دانست. همان‌طور که آورده شد وی با محمدعلی شاه رابطه داشت و به همین دلیل توسط «سه تفنگدار»<sup>۴</sup> به رابطه و سازش با محمدعلی شاه متهم شد. تلاش دیگر وی در جهت جلوگیری و مبارزه با تندروی علیه مقام سلطنت بود. گواه ما در این سخن حمایت وی از لایحه‌ای بود که وجوب اتحاد با سلطنت را عنوان می‌کرد. فضلعلی آقا احساسات انجمن‌ها در خصوص این تصمیم را شایسته تشکر عنوان کرده بود و در این خصوص در صحن علنی مجلس گفت:

... بعضی آن را سابقاً ملتفت بوده‌اند و بعضی نبودند؛ حالا که همه انجمن‌ها به آن معنی پی برده‌اند، مجلس هم باید بیشتر در این اتحاد، سعی باشد که نتیجه‌اش ظاهر گردد.<sup>۵</sup>

با این همه، دفاع او از مقام سلطنت به معنی تابعیت محض از محمدعلی شاه نبود و در پاره‌ای موارد نظرات خود را هر چند مخالف نظر شاه ابراز می‌داشت.<sup>۶</sup>

### - قانون

قانون، یکی از ارکان رژیم مشروطه است و دامنه کاربرد قدرت در مشروطه، محدود به حدود قانونی است و در نقش راهنما و رابط حاکم و محکوم عمل می‌نماید.<sup>۷</sup> در نظام سیاسی ایران که پادشاه ظل‌الله محسوب می‌شد،<sup>۸</sup> از آن‌جا که حق قانون‌گذاری تنها از آن خداوند بود، سایه خدا و نیز متخصصان دین (علما) که آن

۱. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی (تهران: کیان، ۱۳۷۶)؛ ص ۴۸.

۲. کشفی، سیدجعفر، میزان الملوک و الطوائف و صراط مستقیم فی سلوک الخلائف، به کوشش عبدالوهاب فراقی (قم: دفتر اسلامی، ۱۳۷۵)؛ ص ۷۱ و نیز: طباطبایی‌فر، سیدمحسن، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه دوره صفویه و قاجار (تهران: نشر نی، ۱۳۸۴)؛ ص ۸۱.

3. Shirmohammadi, Hossein & Fereydon Allahyari, (2012): "Seghat-ol-Eslam Tabrizi's Political Thought", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, pp. 9024-9036.

۴. سه تفنگدار: تقی‌زاده، صادق‌خان مستشارالدوله، فرشی.

۵. آدمیت، همان؛ ج ۲؛ ص ۳۰۶.

۶. همان؛ ج ۱؛ ص ۴۰۷.

۷. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی (تهران: مروارید- سهروردی، ۱۳۶۶)؛ صص ۱۴۳-۱۴۲.

۸. ابن طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی (تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم)؛ ص ۴۴.

را توضیح و تفسیر می‌کنند، به عنوان مصدر قانون مطرح می‌گردیدند. این درحالی است که قانون‌خواهی در نظام مشروطه، بر پایه اندیشه علمای عهد روشنگری پا گرفت. در این نظریه، نه خدا، بلکه انسان، واضع قانون است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، قانون با این معنا با آنچه تا پیش از این در ایران وجود داشت، در تناقض جدی بود.

به نظر فضلعلی آقا عمل به قانون از «وَجِبَ واجبات» است و باید مانند «فرایض شرعی» به طور دقیق اجرا شود.<sup>۲</sup> قانون در دو محل موضوعیت داشت؛ اول نظام‌نامه درونی مجلس، که نمایندگان مردم از رئیس تا دیگر نمایندگان را به خود ملزم می‌کند و دوم قوانینی است که توسط شورای ملی تصویب می‌شود و عموم برای نیل به سعادت باید به آن عمل کنند.<sup>۳</sup>

در تعریفی که میرزا فضلعلی آقا از قانون دارد، یک تناقض جدی، قابل مشاهده است؛ از طرفی در قانونی که وی از آن دم می‌زند، عنصر شرع مدخلیت دارد؛ به نظر او:

قرآن مجید که وحی آسمانی است، هزار و سیصد سال در میان ما بوده و چون عمل به آن نمی‌شد، روزبه‌روز اختلال امور بیشتر می‌شد تا اینکه ملت از بذل جان و مال و اقدامات لازمه مضایقه نکرده و مجلس مقدس تأسیس شده و بعضی مطالب قانون آسمانی را فارسی نموده و قانون اساسی کردند که هم بخوانند و هم بتوانند بدان عمل نمایند...<sup>۴</sup>

یعنی قانون همان قرآن و قوانین شرع است که اکنون به فارسی ترجمه شده و باید اجرا شود و در جای دیگر، قانون را مانند حکم شرعی در نظر می‌گیرد<sup>۵</sup> و از سویی مصوبات مجلس شورای ملی که یکی از مؤلفه‌های جامعه مدنی و برای احقاق حق عمومی و مؤید حق سیاسی ملت برای تدوین قوانین است را به رسمیت می‌شناسد. در نظام مشروطه، پارلمان یک سازمان سیاسی برای احقاق حقوق عمومی و سپردن قانون‌گذاری به ملت است که نسبت آن با حکم شرعی ممتنع می‌باشد. مراد از فتوا آن است که قوانین موضوعه، مخالف شرع نباشد؛<sup>۶</sup> در حالی که سپردن حق قانون‌گذاری به ملت، خطر مخالفت قوانین با احکام الهی را در پی خواهد داشت. این مقوله‌ای است که نائینی را نیز دچار اشتباه کرده بود چراکه نائینی نیز قانون را به مثابه یک کتابچه دینی (رساله دینی) می‌پنداشت<sup>۷</sup> و از قدرت نهاد انتخابی قانون‌گذار غفلت داشت. شیخ فضل‌الله برای رفع این نقیصه، تشکیل انجمنی از فقها برای تشخیص تطابق قوانین مصوبه مجلس با قواعد اسلامی را پیشنهاد داد.<sup>۸</sup> تقوی با تقسیم مخالفان اصل دوم متمم قانون اساسی به دو گروه می‌نویسد:

۱. رحیمی، مصطفی، *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ سوم)؛ ص ۱۰۱.

۲. میرزاصالح، همان؛ ص ۶۴۱.

۳. همان؛ ص ۵۶۸ و حقدار، علی‌اصغر، *مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت‌مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره دوره اول مجلس شورای ملی)* (تهران: مهرنامگ، ۱۳۸۳)؛ ص ۳۱۴.

۴. همان؛ صص ۴۵۷-۴۵۶.

۵. حقدار، همان؛ ص ۴۰۵.

۶. فیرحی، داود، *فقه و سیاست در ایران معاصر* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۰)؛ صص ۹۹-۱۰۰.

۷. حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق* (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷، چاپ چهارم)؛ ص ۲۸۱.

۸. کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: نگاه، ۱۳۸۲، چاپ سوم)؛ ص ۳۳۳.

برخی به طور بنیادی با حضور دین در عرصه حکومت و سیاست مخالف بودند و برخی فقط حضور و نظارت علما را در این عرصه بر نمی‌تابیدند و برای تضمین عدم مغایرت مصوبات مجلس با شریعت، راهکارهایی غیر از حضور علما را پیشنهاد می‌دادند.

و سپس فضلعلی آقا را در زمره گروه دوم معرفی می‌کند؛<sup>۱</sup> شواهدی وجود دارد که وی ابتدا با این طرح موافق بوده است. ابوالحسنی معتقد است که وی در حمایت از اصل پیشنهادی شیخ فضل‌الله «جدّیتی داشت» ولی بعد از فشارهایی که از تبریز و تهران به وی شد، از حمایت شیخ فضل‌الله دست کشید<sup>۲</sup> و شواهد، مؤید این فرضیه است. برخی از هم‌رأی بودن وی با شیخ فضل‌الله خبر می‌دهند<sup>۳</sup> و حمایت وی از طرح شیخ فضل‌الله در نامه‌ای از مستشارالدوله به ثقة‌الاسلام به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup> ولی این پشتیبانی، بدون عواقب نبود چراکه نمایندگان تبریز تحت نظر رادیکال‌های انجمن تبریز بودند. حتی برخی اقدامات فضلعلی آقا موجب شد تا شایعه عزل او از نمایندگی پراکنده شود.<sup>۵</sup> بنابراین فشار رادیکال‌های انجمن تبریز، پایان دادن حمایت او از شیخ فضل‌الله را توجیه می‌کند. فضلعلی آقا در جلسه بیست و هفتم خرداد ۱۳۲۵ هـ.ق در نطق خود گفت:

اکنون که ما مجلس ملی داریم و باید وضع قانون کند و همه‌کس به آن قوانین احترام بگذارد و احدی با استبداد حکمی نکند، ما را حکم عرفی که مقابل و ضد حکم شرعی باشد، در مملکت نخواهد بود. زیرا ماهیت این احکام عرفی غیر از احکام عرفی دوره استبداد است. قانون موضوعه، احکام واجب و حرام را تغییر نخواهد داد و قوانینی که به رأی مجلس مقنن گذارده شوند، دو قسم خواهند بود؛ اول، راجع به اموری که شرعاً به طور کلیت امر به آنها شده و تعیین خصوصیاتش منوط به نظر عقلای هر عصر و مقتضیات اعصار است؛ دوم، اموری که بالاصاله مباح است لیکن برای حفظ نظام، واجب بر همه مسلمین است؛ لابد باید التزام به فعل یا ترک آنها بشود. در این موارد، وضع قانون دلالت دارد بر تعیین مصداق برای واجب شرعی به حسب اقتضای زمان اگر بعضی مواد و اجرای احکام شرعی اولیه متعذر شود، من باب «الضرورات تبیح المحظورات» با تصویب علما به احکام ثانویه بدل می‌شود؛ یعنی، هیچ حکم قانونی مجلس محترم، مخالف شرع نخواهد بود.<sup>۶</sup>

بدین ترتیب وی در اثر فشارهای جریان تندرو به عنوان یکی از مخالفین این اصل در مجلس به نطق پرداخت.

موضوع دیگر در این خصوص، دعوای قانون و اجتهاد است. چنانچه ذکر شد، فعل سیاسی در اسلام بیشتر بر پایه اجتهاد رقم می‌خورد و بر علماست که احکام موضوعه با شرع مفارقت نداشته باشد. نگاه فضلعلی آقا به فتوا، نگاهی دوگانه است؛ از طرفی از اینکه کسانی نتوانستند «به واسطه تکفیر بعضی‌ها

۱. تقوی، سیدمصطفی، *فراز و فرود مشروطه* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴)، ص ۱۲۳.

۲. ابوالحسنی، علی، *آخرین آواز قو* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵)، ص ۷۴.

۳. مرادی مراغه‌ای، همان؛ ص ۲۴۳.

۴. فتحی، همان؛ صص ۱۷۳-۱۷۲.

۵. همان؛ ص ۱۳۹.

۶. مشروح مناکرات مجلس، دوره اول، جلسه ۱۰۳ (شنبه ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۱۸۸.



صدمه به این اساس مقدّس بزنند»، اظهار مسرت می‌کند؛<sup>۱</sup> از طرف دیگر در نامه مستشارالدوله به ثقة الاسلام فضلعلی آقا از این ابزار علیه برخی نمایندگان استفاده کرده است.<sup>۲</sup> تناقض آشکاری که در کلام او نمایان است اینکه از طرح میزانی برای لازم‌الآب‌تباع بودن فقها عاجز مانده است؛ وی در برابر علمای مخالف مشروطه می‌گوید:

هیچ وقت ما چنین علما را علما نمی‌دانستیم؛ حالا هم نخواهیم دانست... تا حالا با ما راه رفتند و ما هم با آن‌ها راه رفتیم اما بعد از این باید به مردم فهماند که آن‌ها جزو علما نیستند.<sup>۳</sup>

چگونه سخن برخی علما حجت شرعی است ولی اجتهاد علمای ضد مشروطه حجت شرعی نیست؟ مگر نه اینکه علمایی نظیر میرزا حسن مجتهد حتی به گفته مخالفانش، از «علمای اعلم و افقه زمان خود بود»<sup>۴</sup> و «مراتب علمیه اش مورد تصدیق ارباب فضل و دانش» قرار داشت.<sup>۵</sup> پس چگونه سخن او لازم‌الآب‌تباع نیست ولی «حجت شرعی» که علمای نجف داده‌اند، لازم‌الآب‌تباع است؟

کارکردهای قانون از دیدگاه فضلعلی آقا به عنوان یک روحانی مشروطه خواه از دیگر موارد قابل توجه است. فضلعلی می‌گفت: «همه امید اصلاح مملکت، به این مجلس محترم است که وضع قانون نماید»؛<sup>۶</sup> یعنی او ایجاد قانون را یک حرکت اصلاحی می‌دانسته است. به نظر او «عمل نمودن به قانون اساسی و نظام نامه باعث نظم و امنیت مملکت» و «عامل اصلی سعادت مملکت» محسوب می‌شود.<sup>۷</sup> کارکرد دیگر قانون از دیدگاه او تأمین عدالت است. به نظر او «عدالت، محتاج به این قبیل قوانین است؛ همان گونه که پلیس، حافظ امنیت و اموال مردم است، قوانین هم حافظ عدالت و اجرای عدالت است.»<sup>۸</sup> پیش از مشروطه نبود یک قانون مدون باعث هرج و مرج و بی‌نظمی در امور قضایی بود؛<sup>۹</sup> بدین ترتیب، قانون مدون می‌توانست به این وضعیت خاتمه دهد. در مورد کارکرد دیگر باید گفت که بی‌عدالتی و اجحاف، از مشخصه‌های آن دوره بود که ذهن متفکرینی چون ثقة الاسلام را به خود مشغول می‌کرد<sup>۱۰</sup> و قانون می‌توانست با محدود کردن حاکم، دست تعدی او را از حکومت کوتاه کند. بدین ترتیب فضلعلی آقا به درستی به این نکته اشاره می‌کند.

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. میرزاصالح، غلامحسین، مذاکرات مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴)؛ توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاسی بین‌الملل (تهران: مازیار، ۱۳۸۴، چاپ اول)؛ ص ۵۳۱.
۲. فتحی، همان؛ صص ۱۷۵-۱۷۲.
۳. ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری، به کوشش محمد ترکمان (بی‌جا: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲)؛ ص ۱۱۵.
۴. فتحی، نصرت‌الله، زندگی‌نامه شهید نیک‌نام ثقة الاسلام، همان؛ ص ۱۱۸.
۵. امیرخیزی، اسماعیل، قیام آذربایجان و ستارخان (تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۹)؛ ص ۴۸.
۶. میرزاصالح، همان؛ ص ۵۶۸ و حقدار، همان؛ ص ۳۱۴.
۷. میرزاصالح، همان؛ ص ۶۴۱.
۸. حقدار، همان؛ صص ۳۵۷-۳۵۶.

9. Shirmohammadi, Allahyari, ibid; p. 9029.

10. Ibid.

## - تفکیک قوا

تفکیک قوا یکی از اصول مشروطه و برای جلوگیری از تجمع قدرت در یک شخص یا یک گروه خاص پیش‌بینی شده بود و با توجه به سیستم سیاسی ایران مورد توجه اندیشمندان ایرانی قرار گرفت. فضلعلی آقا تفکیک قوه مقننه از قوه مجریه را اساس مشروطیت می‌دانست.<sup>۱</sup> وی در خصوص قوه قضائیه حرفی به میان نمی‌آورد و امور قضایی را در انحصار علما و بیرون از مجموعه حکومت متصور می‌شد.

## الف) قوه قضائیه

با وجود همه تلاش‌ها برای درآوردن قوه قضائیه از دست روحانیون و سپردن اختیارات قضایی به دست این قوه<sup>۲</sup> و تنزل دادن علما در حد حقوق‌بگیران آن،<sup>۳</sup> فضلعلی آقا در حق علما برای تسلط سنتی ایشان بر امور امور قضایی پای می‌فشرد. او مانند هر فقیه شیعی، معتقد بود کار قضاوت نباید بدون متولی بماند و معتقد بود که باید مجلسی از علما بر پایه موازین شرعی به امور قضایی رسیدگی کند.<sup>۴</sup>

وی در خصوص حق استیناف و محاکمه مجرمان معتقد بود، مجلسیون باید «کافر مفسد» را به شیخ‌الاسلامها ارجاع داده و ایشان با مراقبت مجلس به جرم وی رسیدگی کرده و حکمش را صادر کنند، و مجلس باز بر حکم صادره نظارت کند تا حکم اشتباهی، منافی منافع ملت صادر نگردد.<sup>۵</sup> بدین ترتیب فضلعلی آقا اولاً شیخ‌الاسلامها را مسئول صادر کردن حکم می‌داند و در ثانی، مجلس را نیز دارای این اختیار ذکر می‌کند که اگر شیخ‌الاسلامها حکم غلطی صادر کردند، پرونده به منظور رسیدگی به مجلس برگردد و این خود نقض اصل تفکیک قواست. در اینجا وی متذکر نمی‌گردد که قضاوت باید در محضر کدامیک از علما انجام گیرد؛ در ثانی، ارجاع امور قضایی به علما باعث صدور احکام ناسخ و منسوخ می‌گشت؛ مسئله‌ای که خود وی به آن توجه داشت. «محاکم ... شرعی که در اثر عدم تمرکز و علل دیگر، مرتب احکام ناسخ و منسوخ صادر می‌کرده‌اند» مورد انتقاد وی بود<sup>۶</sup> و به همین دلیل معتقد بود که مردم نباید به برخی علما رجوع کنند.<sup>۷</sup>

مشروعیت بخشیدن به صدور حکم قضایی توسط سلطان نیز از نمونه‌های گرایش فضلعلی آقا به اندیشه‌های ماقبل مشروطه و نقض اصل تفکیک قواست. وی بعد از زندانی شدن رحیم‌خان طی نامه‌ای از «علیحضرت شهریاری» به دلیل «حبس» رحیم‌خان و «مقرر نمودن زنجیر» برای او تشکر می‌کند.<sup>۸</sup>

۱. حقدار، همان؛ ص ۳۰۷.

۲. آجدانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی (تهران: اختران، ۱۳۸۷، چاپ نهم)؛ ص ۵۰ و آخوندزاده، میرزا فتحعلی، مقالات، گردآوری باقر

مؤمنی (تهران: آوا، ۱۳۵۱)؛ ص ۱۰۵.

۳. خلیج، محمدمهدی، مشروعه‌خواهان مشروطیت (شیراز: کوشامهر، ۱۳۸۹)؛ ص ۱۸۶.

۴. میرزاصالح، همان؛ ص ۴۱۶.

۵. آدمیت، همان؛ ج ۱؛ ص ۴۰۷.

۶. شکوری، ابوالفضل، خط سوم در انقلاب مشروطیت (بی‌جا: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، ۱۳۷۱)؛ ص ۲۰۴.

۷. ترکمان، همان؛ ص ۱۱۵.

۸. افشار، همان؛ ص ۱۲۲.

هرچند فقدان قانون جزا در دوره مورد بحث توسط به احکام سلطان را توجیه می‌کند ولی نباید از نظر دور داشت که در یک حکومت مشروطه، قوه قضائیه، مسئول صدور حکم است نه سلطان.

(ب) قوه مقننه

فضلعلی آقا در یک نطق خود مجلس را اساس مشروطه معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> هرچند این گفته اهمیت مجلس در اندیشه‌های وی را نمایان می‌سازد، اما آنچه در مشروطه مهم است و اساس مشروطه را تشکیل می‌دهد، خود اصل تفکیک قواست.<sup>۲</sup> در مقام مقایسه، ثقة الاسلام احتمال وجود نظامی استبدادی همراه با نهاد پارلمان را ناممکن ندانسته و بر تفکیک قوا تأکید می‌کند؛ همین، نشان از درک دقیق تر ثقة الاسلام نسبت به فضلعلی آقا درباره ماهیت تفکیک قوا و مجلس می‌باشد.

در گذشته، درباره تناقض اندیشه فضلعلی آقا در خصوص منشأ قانون سخن گفتیم. وی از طرفی چون شیخ فضل‌الله نوری<sup>۳</sup> منشأ قانون را اسلام (منشأ خدایی)، و از طرفی کار تقنین را بر عهده مجلس می‌دانست؛<sup>۴</sup> مجلسی که انتخابی و برای اعاده حقوق عمومی بود و توانایی تصویب قوانین ضددینی را نیز داشت. البته فضلعلی آقا به این نکته پی برده بود و به مجلسیان گفته بود که باید زیر «سایه اسلام» قرار گیرند<sup>۵</sup> و از آن تخطی نکنند. البته نامه دیگری از او وجود دارد که نگرانی او را از تصویب قوانین ضد اسلامی بیشتر نمایان می‌کند. وی در نامه‌ای به ثقة الاسلام در باب چگونگی تشکیل مجلس می‌گوید:

[گروهی] قصد دارند ملاًها عموماً در امور مشروطه بی‌دخل و تصرف باشند و می‌گویند در آینده، انتخابات طبقاتی را موقوف خواهیم کرد.<sup>۶</sup>

در اینجا به یک نکته جالب پی می‌بریم که آینده‌نگری فضلعلی آقا را نشان می‌دهد. انتخابات مجلس اول شورای ملی، به صورت طبقاتی بود؛ بدین ترتیب، علما لاجرم تعداد معینی نماینده در مجلس داشتند و این خود به قدرت و نفوذ در تقنین منجر می‌شد و امید می‌رفت با این شیوه، مجلس همیشه در مراقبت علما قرار داشته باشد. ولی انتخابات آزاد و تسری حق رأی به عموم، موجب تضعیف کمی علما در مجلس می‌شد و این نگرانی روحانیونی چون فضلعلی آقا را در پی داشت؛ بدین ترتیب، فضلعلی آقا انتخابات طبقه‌ای و حضور علما در مجلس را راهی برای تعدیل انتخابی بودن نمایندگان قوه مقننه و مقابله با تصویب قوانین ضددینی می‌دانست. راه دیگر حفظ قوانین، سلامتی اخلاقی نمایندگان بود. فضلعلی آقا علاوه بر توصیه نمایندگان به جمع شدن زیر سایه اسلام، به جای دادن یک ساز و کار عملی که نمایندگان را از خطا بازدارد، مانند یک منبری برای نمایندگان وعظ اخلاقی ایراد می‌کرد؛ وی نمایندگان را از دسایس پشت پرده

۱. حقدار، همان؛ صص ۱۱۲-۱۱۱.

۲. آشوری، همان؛ ص ۱۰۰.

۳. ملک‌زاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، دوره هفت جلدی (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳)؛ صص ۸۷۴-۸۷۰.

۴. میرزاصالح، همان؛ ص ۵۶۸.

۵. حقدار، همان.

۶. فتحی، همان؛ صص ۱۸۰-۱۷۹.

بر حذر می‌داشت<sup>۱</sup> و وکلا و مجلسیون را به تلاش برای احقاق حقوق مردمشان فرا می‌خواند.<sup>۲</sup> البته تجربه نشان از بی‌تأثیر بودن وعظ اخلاقی در امور سیاسی دارد.

درباره مجلس سنا وی به برتری مجلس نمایندگان نسبت به مجلس سنا معتقد بود. وی در این خصوص در مجلس گفت:

باید در نظام‌نامه مجلس سنا این مورد افزوده شود که مادامی که تعداد منتخبین ملت به تعداد منتخبین دولت حاضر نشوند، مجلس سنا منعقد نمی‌گردد.<sup>۳</sup>

این اظهار نظر به این خاطر بود که همه نمایندگان دربار حاضر شده بودند، در صورتی که اکثر نمایندگان مجلس هنوز وارد پایتخت نشده بودند.

کارکردهای مجلس در اندیشه‌های میرزا فضلعلی، مبحث دیگری است که ضرورت پرداختن به آن وجود دارد. فضلعلی آقا در یکی از نطق‌های خود در مجلس می‌گوید:

همه امید اصلاح مملکت به این مجلس محترم است که وضع قانون نماید و مجری شود.<sup>۴</sup>

هرچند وی به درستی وظیفه مجلس را وضع قانون دانسته ولی وظیفه مجلس تنها تصویب قانون است و مداخله مجلس در امور اجرایی، نقض اصل تفکیک قوا می‌باشد. کارکرد دیگر مجلس از دیدگاه او وضع قوانین برای ارباب جراید و نظارت بر آنها است.<sup>۵</sup> فضلعلی آقا معتقد بود وظیفه مجلس برقراری آسودگی مردم است.<sup>۶</sup> وی در این مورد می‌گفت که حاکمان ولایات باید زیر نظر مجلس کار کنند و در قبال اعمال خود در مقابل مجلس، پاسخگو باشند. به نظر او حکام حق ندارند آسایش مردم را به هم بزنند و اگر آنها امنیت را از مردم سلب کردند، نمایندگان مجلس حق دارند حاکمان را عزل نمایند؛ بدین ترتیب، مجلس باید در مقابل اجحاف مأموران دولتی، از مردم دفاع کند. به نظر او مجلس در کنار برقراری امنیت می‌بایست در مورد اوضاع مالی و پولی کشور حساس باشد.<sup>۷</sup> اگر این سخن را به پای نظارت بر اجرای درست قوانین توسط دولت بگذاریم، حرف او صحیح خواهد بود. فضلعلی آقا در بیانیه روز پنج‌شنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هـ.ق. یکی دیگر از کارکردهای مجلس را رسیدگی به تظلمات مردم می‌داند.<sup>۸</sup> وی تحت تأثیر انتظارات توده که مجلس را کانونی برای رفع تظلمات خود می‌دانستند، این سخن را ابراز کرده است، در حالی که وظیفه مجلس در نظام مشروطه، تصویب و نظارت بر قوانین است، نه رسیدگی به تظلمات.

ج) قوه مجریه

وی دولت را مجموعه‌ای از شاه، وزرا و حکام می‌دانست. فضلعلی آقا به دلیل «دوئیت» ملت و دولت و جدایی سنتی رعیت و راعی در ایران، مجلس را نماینده ملت و حکام و وزرا را نماینده حکومت می‌داند.

۱. حقدار، همان؛ صص ۴۳۳-۴۳۵.
۲. میرزاصالح، همان؛ ص ۴۱۴.
۳. آدمیت، همان؛ ص ۳۸۹.
۴. میرزاصالح، همان؛ ص ۵۶۸.
۵. حقدار، همان؛ ص ۳۰۷.
۶. میرزاصالح، همان؛ ص ۴۱۴.
۷. حقدار، همان؛ ص ۱۷۹.
۸. همان؛ صص ۲۷۴-۲۷۳.

در صورتی که در حکومت مشروطه، حکومت، موهبتی الهی است که از طرف ملت به شاه واگذار شده و صاحب واقعی آن، مردم هستند. در مورد سلطنت و دیدگاه فضلعلی آقا در مورد آن، پیش‌تر به بحث پرداختیم و اکنون به نظرگاه وی در مورد وزرا و حکام می‌پردازیم.

فضلعلی در نامه‌ای درخصوص اغتشاشات تبریز، وزارت داخله را در این ناامنی مقصر می‌داند و از آن می‌خواهد که سریعاً درخصوص بی‌توجهی‌اش در این باب، جوابگو باشد.<sup>۱</sup> به نظر او اگر هیئت وزرا باید شب هم در تلگرافخانه بخوابند و رفع اغتشاشات مملکت را بکنند، نباید به مسامحه گذارند، چون قوه اجرا در دست آن‌ها است.<sup>۲</sup> البته فضلعلی آقا در رابطه با رفع اغتشاشات، یک خط قرمز رسم می‌نماید که این، کار را برای قوه مجریه مشکل می‌کند؛ او میان رفع اغتشاش و ایجاد آرامش با سرکوب مردم تفاوت قائل است. پس هیئت وزرا حق نداشت به بهانه ایجاد آرامش، مردم را سرکوب کند بلکه باید خواسته‌های آن‌ها را بشنود و به خواسته‌های بحق آن‌ها گردن بنهد.<sup>۳</sup>

حکام نیز باید در مرتفع کردن مشکلات ولایات، کوشا باشند. فضلعلی آقا اولین و مهم‌ترین نکته در انتخاب والی را این می‌دانست که نباید شخصی را به حکومت ولایتی فرستاد که در آن ولایت، صاحب زمین باشد. وی در تأیید سخن خود می‌گوید: «نادرشاه حاکم هرات را معزول کرد، به جهت اینکه آن‌جا ملک داشت.»<sup>۴</sup> شاید این نکته را به این علت ابراز داشته که حاکم در منطقه تحت حکومتش احساس مالکیت و خودسری نکند و این نکته، باعث جدایی عملی و وصول نشدن مالیات نگردد. فضلعلی آقا به‌درستی با تعویض زودهنگام حکام ولایات، مخالف بود و این را به صلاح مردم و حکومت نمی‌دانست ولی این حق را برای مجلس قائل بود که اگر حاکمی وظیفه خود را به خوبی انجام ندهد، مجلس بتواند آن را عزل و شخص دیگری را جایگزین کند.<sup>۵</sup>

#### - آزادی

آزادی و فردگرایی یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطروحه در جامعه مدنی است و میرزا فضلعلی آقا مجبور به واکنش نشان دادن در برابر این اصل بود. در منابع، سخنانی در باب آزادی از او نقل کرده‌اند که بسیار خام و سبک به نظر می‌رسد و درک رابطه این سخنان با این اصل، بسیار مشکل است.<sup>۶</sup> وی در راه تهران هنگام ورود به قفقاز، به ایرانیان مقیم آن‌جا می‌گوید:

ابتدا ما وکلا باید بگوییم که فن‌رهایی از استبداد و ظلم و فرعون‌های استبداد، جفا و زورگویی حکام و امرای غدار برای نجات شما بیچارگان - که برای لقمه نانی غربت اختیار کرده؛ از وطن دور افتاده‌اید - از

۱. میرزاصالح، همان؛ ص ۲۶۰.

۲. همان؛ ص ۲۹۵.

۳. همان؛ ص ۲۴۴. این موارد که دولت را جوابگوی مردم نشان می‌دهد تحت تأثیر گفتمان سیاسی غالب مبنی بر تعریف حقوق مدنی مدنی ملت و حاکی از توجه فضلعلی آقا به برخی از این مفاهیم است.

۴. میرزاصالح، همان؛ ص ۱۶۸.

۵. همان؛ ص ۴۴۴.

۶. همو، بحران دموکراسی در مجلس اول (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷)؛ ص ۱۹. همو، مذاکرات مجلس اول، همان؛ ص ۴۱۴.

قید اسارت تلاش نماییم. ما باید به آن فرعون‌ها نشان بدهیم که آنان با فرعون‌ی خود ایران زیبا را به این روز سیاه نشانده‌اند؛ دیگر پس از این نخواهند توانست به خواست خود نائل شوند.<sup>۱</sup>

در اینجا فضلعلی آقا غایت آزادی را رهایی از استبداد و ظلم فرعون‌ها و زورگویی‌های آن‌ها بیان می‌کند و منظورش از «اسارت» همان مصائب اقتصادی است! این نکته وقتی بارز می‌شود که وی در ادامه، استبداد را مایه این سیاه‌روزی ایرانیان عنوان می‌کند. تنها توجیهی که برای این ابراز نظر فضلعلی آقا می‌توان داشت اینک وی ایجاد آزادی را وظیفه نمایندگان مجلس می‌داند، در حالی که توسعه آزادی فقط از طریق بسط نهادهای مدنی صورت می‌گیرد و مجلس، تنها نهادی سیاسی برای قانون‌گذاری و نظارت بر قانون است. وی در خصوص آزادی مطبوعات، معتقد بود که مجلس باید در این خصوص، قوانینی وضع کند و مادامی که قانون نوشته نشده، ادنی که مجلس به وزیر علوم داده، به منزله قانون است و وزیر علوم با این اذن می‌تواند ارباب جراید را تهدید به مجازات کند یا مجازات‌ها را رفع نماید.<sup>۲</sup> نکته‌ای که ناگفتنش خواننده را به اشتباه می‌کشانند، شرایط اجتماعی و سیاسی دوره‌ای است که فضلعلی آقا در آن می‌زیست. در این دوره برای اولین بار در ایران تجربه حکومت مشروطه شکل گرفت و در عمل، هیچ‌کس تصور درستی از وظایف، حقوق و کارکرد مشروطه نداشت. بدین خاطر، آزادی مطبوعات و فردی باعث ایجاد فضای مسموم تهمت و افترا شده بود، که به خصوص روحانیون از این فضا رنج می‌بردند.<sup>۳</sup> ماشاءالله آجدانی عنوان «گذرگاه خشونت» را برای این دوره انتخاب کرده است.<sup>۴</sup> به همین دلیل، لازم بود جلو پرده‌دری‌ها گرفته شود. پس طبیعی است در شرایطی این‌چنینی وقتی هنوز قانون مطبوعات تدوین نشده است، روحانیونی چون فضلعلی آقا اختیارات گسترده‌ای برای برخورد با ارباب جراید به وزیر علوم بدهند. وی با آزادی شهروندان برای تحصن هم موافق بود چراکه وی تعطیل شدن «مدارس»، «ادارات دولتی» و تحصن آن‌ها در «صحن بهارستان... [و ایراد] کلمات شورانگیز و مقالات عالیه» برای رسیدگی به خواسته‌های معقولشان را حق شهروندان می‌دانست.<sup>۵</sup> از آنجایی که این سخن در تهران ایراد شده، به نظر می‌رسد حضور در مجلس و رابطه با گروه‌های سیاسی، باعث تعمیق بیشتر اندیشه او در خصوص این اصل شده باشد.

مسئله حقوق زنان در عرصه اجتماع از دیگر مباحث آن روز بود که فضلعلی آقا به طور دوپهلوی با آن برخورد نمود و آن را تأیید یا رد نکرد. وی در خصوص اجتماع زنان معتقد بود که اصل اجتماع، ضرری ندارد اما اشخاصی که مغرض هستند، می‌خواهند به واسطه این اجتماعات، فتنه ایجاد کنند که این اتفاق ارکان شرع را به لرزه درمی‌آورد.<sup>۶</sup> بدین ترتیب می‌توان گفت وی هرچند با دوپهلوی سخن گفتن این امکان را برای زنان منتفی ندانسته، ولی آن را مایه سوءاستفاده مغرضین تلقی می‌کند. درکل می‌توان گفت که وی با

۱. مرادی مراغه‌ای، همان؛ ص ۸۲.

۲. حقدار، همان؛ ص ۳۰۷.

۳. کسروی، همان؛ ص ۳۰۴.

۴. آجدانی، همان؛ صص ۵۳-۲۱.

۵. افشار، همان؛ ص ۱۲۱. این سخن او نشان از توجه او به حقوق مدنی مردم است که ذکر آن رفت.

۶. آدمیت، همان، ج ۱؛ ص ۴۲۹.

فعالیت‌های زنان میانه خوبی نداشته است؛ با این حال، برای دور ماندن از انتقادات فعالان، آن را منتفی ندانسته است.

#### – مساوات شهروندان در برابر قانون و حقوق شهروندی

در اقدامات و گفته‌های میرزا فضلعلی آقا، پاره‌ای نشانه‌های ملی‌گرایی وجود دارد که باید به تحلیل آن موارد پرداخت. ایران‌گرایی و تأکید بر ملت ایران مسأله‌ای بود که تقریباً همه علمای نامی به آن واکنش منفی نشان دادند،<sup>۱</sup> چراکه ایشان انسان‌ها را با هویت دینی آن‌ها تعریف می‌کنند نه هویت ملی. اگرچه وی در خصوص مساوات در مجلس سخن رانده و از زردشتی‌ها حمایت کرده بود ولی اگر شایعه گرفتن پانصد تومان از ارباب جمشید برای اینکه «در مسئله مساوات در مجلس از زردشتی‌ها طرفداری نماید»<sup>۲</sup> را بپذیریم، بحث عقیده قلبی او را در این باب منتفی می‌کند. بررسی اقدامات او در این خصوص، سخن آجودانی را تأیید می‌کند که می‌نویسد:

نقش علما و مبارزات سنتی آنان بر ضد قدرت‌های خارجی، بیش و پیش از آنکه از آگاهی سیاسی آنان به ماهیت و ابعاد گوناگون و پیچیده استعمار و یا تعلقات ملی در مفهوم جدید آن ناشی شده باشد، از انگیزه‌ها و تعلقات دینی علما برای حفظ اسلام و مسلمین و نگرانی آنان از استیلاي قدرت‌های خارجی به عنوان کفار و بیگانه بر ایران به مثابه «سرزمین اسلام» ریشه می‌گرفت.<sup>۳</sup>

چنان‌چه ذکر شد، وی با همکاری چند واعظ و پیش‌نماز، گروهی با عنوان انجمن اسلامی تشکیل داد و طی مجالس روضه‌خوانی درباره ترویج کالاهای وطنی و لزوم جلوگیری از کالاهای تجملی اروپایی سخن می‌گفت.<sup>۴</sup> این اقدام که قبل از مشروطه انجام شد، هرچند حرکتی ضد استعماری و راهی برای استفاده از کالاهای داخلی بود لیکن ابداً حرکتی ملی‌گرایانه به شمار نمی‌رود. پیش از این نیز علما نشان داده بودند که از تسلط غیرمسلمانان بر مسلمین بیزارند<sup>۵</sup> و به نظر می‌رسد این اقدام فضلعلی آقا در تحریم منسوجات خارجی بر همین اساس بوده باشد.

وی در جنبش‌های مردمی در راه مشروطه نیز بسطنشینی در سفارتخانه‌های بیگانه را بی‌ارزش و حتی مضر می‌دانست.<sup>۶</sup> فضلعلی آقا در خصوص کسانی که زیاد به کنسول‌خانه انگلستان می‌رفتند نیز هشدار می‌داد. به نظر او انگلیسی‌ها از علما واهمه داشتند و همواره درصدد بودند شخصی نفوذی از خودشان با لباس و تظاهر ملایی، با عنوان نماینده تبریز به مجلس راهی کنند.<sup>۷</sup> وی از شخص روضه‌خوانی نام می‌برد

۱. غروی نائینی، حسین، *تنبیه الامه و تنزیه الامه*، با حاشیه و تصحیح سیدمحمدمود طالقانی، چاپ هشتم (بی‌جا: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱)؛ ص ۶۸ و کدیور، محسن، *سیاست‌نامه خراسانی* (تهران: کویر، ۱۳۸۷، چاپ دوم)؛ ص ۲۲۶ و خلج، محمد مهدی، *مشروعہ خواهان مشروطیت*، همان؛ ص ۱۸۵ و ملک‌زاده، مه‌ری، *تاریخ مشروطیت ایران*، دوره هفت جلدی، ج ۴ (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳)؛ صص ۸۷۴ - ۸۷۳. فتحی، نصرت‌الله، *مجموعه آثار قلمی شادروان تقي‌الاسلام شهيد تبريزي* (بی‌جا: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴)؛ ص ۳۹۵.

۲. شرف‌الدوله، *روزنامه شرف‌الدوله*، به کوشش یحیی ذکاء (تهران: فکر روز، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۴۹.

۳. آجودانی، لطف‌الله، *علما و انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: اختران، ۱۳۸۵)؛ ص ۱۶۳.

۴. یزدانی، همان؛ ص ۲۴.

۵. کسروی، همان، ص ۲۳.

۶. میرزاصالح، همان؛ ص ۴۳۰.

۷. میرزاصالح، *بحران دموکراسی در مجلس اول*، همان؛ ص ۳۵.

که پیش‌نمازی بعضی مساجد را هم بر عهده داشت اما همین شخص از همه بیشتر به کنسول‌خانه انگلیس رفته بود و جمعی از سادات و عوام دورش را گرفته بودند و در سرش هوای ریاست انجمن تبریز بود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب وی از تأثیر انگلستان بر نمایندگان، به‌خصوص بر ملاّها نگران بود. این موارد نیز برای پاک ماندن مجلس از نفوذ انگلیسی‌ها و دفاع از مسلمین در برابر آنان بود، نه ملّی‌گرایی.

فضلعلی آقا دفاع عشایر اعم از سنّی و شیعه از کشور و «بذل جان و مال» را «به اقتضای اسلامیت» می‌داند که با نهایت اتّفاق کوشش خواهند کرد که تا یک قطره خون در عروق ایرانیان باقی است، نگذارند احدی دست طمع به آب و خاک موروثی آن‌ها دراز کند.<sup>۲</sup> البته این روحیه تا حدّی محصول آن زمان و فشارهای خارجی نیز بوده است. به هر حال، هیچ‌یک از این اقدامات، تأییدی بر حس ملّی‌وی نبوده و سخن آجودانی در این خصوص، صحیح به نظر می‌رسد.

#### - افتراق ملّت و دولت

به نظر میرزا فضلعلی آقا حکومت مشروطه ظرفیتهایی دارد که می‌تواند جامعه را به خیر و سعادت رهنمون سازد. به نظر او حکومت در هر دولتی به‌وسیله مشروطه و جمهوری و دموکراسی قوّت می‌گیرد<sup>۳</sup> و فاصله میان حکومت و ملّت را از بین می‌برد. این سخن در شرایطی ابراز می‌شد که فرهنگ سیاسی ایران یک فضای دو قطبی بود. سلطنت که نمی‌خواست امتیازات گذشته را از دست بدهد، از هر موقعیتی در تضعیف مشروطه‌خواهان استفاده می‌کرد. مشروطه‌خواهان نیز با عدم درک درست خود از مشروطه و حکومت قانون، نسبت به سلطنت ابراز دشمنی می‌کردند. به قول کسروی، «هرکس هرچه بدگویی بیشتر می‌کرد و از پرده‌داری هم باز نمی‌ایستاد، این را نشان بینش آزادی‌خواهی خود می‌پنداشت»<sup>۴</sup> و این در کلام کلام فضلعلی آقا به خوبی هویدا است. به نظر او دولت نمی‌بایست به مجادله علیه ملّت بپردازد و با تحریک عشایر به «فتنه و فساد» در کشور مبادرت ورزد<sup>۵</sup> بلکه خواستار از میان رفتن «دوئیت» در کشور بود. در نوزده شعبان ۱۳۲۵ هـ.ق. وقتی عده‌ای از درباریان طی نامه‌ای همراهی خود را با مجلس اعلام کردند، فضلعلی آقا با نطقی از این مورد، ابراز خوشنودی کرد:

بیا که نوبت صلح است و آشتی و عنایت به شرط آنکه نگوییم از گذشته حکایت

و در ادامه افزود:

ولله الحمد که امروز اتّحاد ملّت به سرحدّ کمال رسیده است.<sup>۶</sup>

یک نکته جالب که از این سخن وی مستفاد می‌گردد اینکه وی دولتیان را هم در مجموعه ملّت آورده است و این از نظر سیاسی بسیار حائز اهمیت به نظر می‌رسد که وی برای همه افراد بدون در نظر گرفتن جایگاه اجتماعیشان قائل به حقوق شهروندی بوده است. وی در نطق دیگری، در ستایش مشروطه می‌گوید:

۱. همان؛ ص ۳۵.

۲. همان؛ ص ۳۲۵.

۳. حقدار، همان؛ ص ۳۵۷.

۴. کسروی، همان؛ ص ۲۷۶.

۵. افشار، همان؛ ص ۱۲۱.

۶. تقوی، همان؛ صص ۱۸۷-۱۸۶.

۷. مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول، جلسه ۱۵۹ (شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۵)؛ ص ۳۲۹.



از امروز دولت و ملت، یکی است؛ بعد از این، دوئیت در بین نیست و باید به همراهی و همدستی با یکدیگر کار کنند.<sup>۱</sup>

درخصوص این اظهارات فضلعلی آقا باید گفت که وی به درستی معتقد است که مشارکت سیاسی مردم باعث می‌شود تا مردم حکومت را از خود دانسته و سرنوشت خود و حکومت را در راستای یکدیگر تلقی کنند. وی در یکی از نطق‌هایش می‌گوید:

ملت با تمام خورش حاضر خواهد بود تا کارهای عمده و این‌گونه جزئیات را با اندک حرکتی رفع کند؛ مبنی بر اینکه این مملکت به استبداد برنخواهد گشت و با اتفاق انقلاب مشروطه، این ملت از حقوق خود دست برنخواهد داشت.<sup>۲</sup>

پس مشروطه باعث می‌شود مردم خود برای رفع مشکلات قیام کنند و استبداد این روحیه را از مردم سلب می‌کند.

### نتیجه

فضلعلی آقا یکی از روحانیون میانه‌روی مجلس اول شورای ملی بود که سعی داشت تا مبانی حقوق مدنی و اندیشه‌های شیعی را سازگار نشان دهد و در اندیشه‌های وی تناقض همیشگی میان این دو به چشم می‌خورد. وی هرچند تضعیف نهاد سلطنت را به صلاح نمی‌دانست ولی مخالفت اصولی و منطقی با شاه را برای نمایندگان مجاز می‌دانست و آن را از حقوق ملت به شمار می‌آورد. درک وی از فردیت و آزادی، ضعیف است و از ناآگاهی او از معنی آزادی در مشروطه حکایت دارد؛ با این حال تعاریفی که وی از آزادی ارائه می‌کند، از پخته شدن تدریجی این مفهوم در اندیشه او حکایت دارد. وی در تعریف قانون با یک تناقض لاینحل مواجه بود؛ وی از طرفی شرع و فتوا را به عنوان مصدر قانون تأیید می‌کرد و از سوی دیگر به عنوان یک نماینده مشروطه‌خواه به پارلمان‌تاریسم علاقه نشان می‌داد. این تناقض به منشأ قانون در جامعه مدنی و جامعه دینی مربوط بود. قانون در اندیشه اسلامی، نباید ضددینی باشد و وقایع حادثه با اجتهاد، حل و فصل می‌گردد، در حالی که در جامعه مشروطه، قانون‌گذاری جزو حقوق مردم تلقی می‌گردد. درخصوص تفکیک قوا، وی قوه قضائیه را از حکومت جدا و امور مربوط بدان را در حوزه اختیارات علما می‌دانست. مجلس در اندیشه‌های او از جایگاه برتری نسبت به دولت قرار داشت و این دو در مقابل هم و نه در کنار هم قرار داشتند. با این حال، با اغماض، انتظارات وی از تفکیک دو قوه مجریه و مقننه، بر اساس موازین مشروطه می‌باشد. بی‌شک وی تحت تأثیر اوضاع فکری عصر خود از واژه‌های ملی استفاده می‌کرد و پاره‌ای از اقداماتش گمان‌مندی‌گرایی را به ذهن متبادر می‌نمود ولی وی به عنوان یک فرد مذهبی می‌خواست تسلط غیرمسلمین بر مسلمین پایان یابد و تعریف افراد بر اساس هویت ملی از سوی او را نمی‌توان چندان جدی ارزیابی کرد.

۱. میرزا صالح، همان؛ ص ۲۳۱.

۲. میرزا صالح، مذاکرات مجلس اول؛ ص ۴۹۹.

## کتابنامه

- آجدانی، ماشاءالله، *مشروطه ایرانی* (تهران: اختران، ۱۳۸۷، چاپ نهم).
- آجودانی، لطفالله، *علما و انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: اختران، ۱۳۸۵).
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی، *مقالات، گردآوری باقر مؤمنی* (تهران: آوا، ۱۳۵۱).
- آدمیت، فریدون، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ج ۱ (بی جا: پیام، ۱۳۵۵).
- آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی* (تهران: مروارید - سهروردی، ۱۳۶۶).
- ابن طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی (تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم).
- ابوالحسنی، علی، *آخرین آواز قو* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵).
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)* (تهران: گسترده، ۱۳۶۱).
- الگار، حامد، *دین و دولت در ایران*، نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۹).
- امیرخیزی، اسماعیل، *قیام آذربایجان و ستارخان* (تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۹).
- بامداد، مهدی، *تاریخ رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴* (تهران: چاپخانه بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۷).
- تربیت، محمدعلی، *دانشمندان آذربایجان* (تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۱۴).
- ترکمان، محمد، *رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری*، به کوشش محمد ترکمان (بی جا: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲).
- تقوی، سیدمصطفی، *فراز و فرود مشروطه* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴).
- تقی‌زاده، سیدحسن، *زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)*، به کوشش عزیزالله عزیززاده (تهران: فردوس، ۱۳۷۹).
- حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق* (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷، چاپ چهارم).
- حقدار، علی اصغر، *مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت‌مذکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)* (تهران: مهرنامگ، ۱۳۸۳).
- خلج، محمدمهدی، *مشروع خواهان مشروطیت (شیراز: کوشامهر، ۱۳۸۹)*.
- رحیمی، مصطفی، *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ سوم).
- شرف‌الدوله، *روزنامه شرف‌الدوله*، به کوشش یحیی ذکاء (تهران: فکر روز، ۱۳۷۷).
- شریف‌کاشانی، محمدمهدی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲).
- شکوری، ابوالفضل، *خط سوم در انقلاب مشروطیت* (بی جا: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، ۱۳۷۱).
- طباطبایی فر، سیدمحسن، *نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه دوره صفویه و قاجار* (تهران: نشر نی، ۱۳۸۴).
- غروی نائینی، حسین، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، با حاشیه و تصحیح سیدمحمد طالقانی، چاپ هشتم (بی جا: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱).
- فتحی، نصرت‌الله، *زندگی‌نامه شهید نیک‌نام تغه‌الاسلام تبریزی (۱۳۳۰-۱۳۷۷ هجری)* و *بخشی از تاریخ مستند مشروطیت ایران* (بی جا: بنیاد کاری نوریانی، ۱۳۵۲).
- \_\_\_\_\_، *مجموعه آثار قلمی شادروان تغه‌الاسلام شهید تبریزی* (بی جا، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴).
- فیرحی، داود، *فقه و سیاست در ایران معاصر* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۰).
- کدیور، محسن، *سیاست‌نامه خراسانی* (تهران: کویر، ۱۳۸۷، چاپ دوم).
- کرمانی، ناظم الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۴، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: آگاه، ۱۳۶۲).
- کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: نگاه، ۱۳۸۲، چاپ سوم).
- کشفی، سیدجعفر، *میزان الملوک و الطوائف و صراط مستقیم فی سلوک الخلائف*، به کوشش عبدالوهاب فراقی (قم: دفتر فعالیت‌های اسلامی، ۱۳۷۵).

مرادی مراغه‌ای، علی، عبور از استبداد مرکزی (بررسی انجمن‌های شورایی عصر مشروطیت و با تأکید بر نمونه تبریز، رشت و اصفهان) (تهران: اوحدی، ۱۳۸۴، چاپ اول).

ملکزاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، دوره هفت جلدی، ج ۴ (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳).

منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی (تهران: کیان، ۱۳۷۶).

میرزاصالح، غلامحسین، بحران دموکراسی در مجلس اول (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷).

\_\_\_\_\_، مذاکرات مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴)؛ توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاسی بین‌الملل (تهران: مازیار، ۱۳۸۴، چاپ اول).

یزدانی، سهراب، اجتماع‌یون عامیون (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸).

#### اسناد و مطبوعات

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.

Shirmohammadi, Hossein & Fereydon Allahyari, (2012): "Seghat-ol-Eslam Tabrizi's Political Thought", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, pp. 9024-9036.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی